موضوع: بررسی نظریه مسیر پیامبری

بررسی انواع راه های معرفت

سخن در روش بحث در مساله نبوت و پیامبری بود و این سوال مطرح شد که برای شناخت و معرفت در این باره از کدامیک از روش های در اختیار بشر می توان استفاده کرد؟

گفته شد روش های معرفتی که در اختیار انسان قرار دارد از این قرار است:

1. روش حسی که عبارت است از شناخت توسط حواس پنج گانه. این شناختی ساده و سطحی است.
2. روش تجربی که عبارت است از روش علمی در شاخه های علوم طبیعی و انسانی و اجتماعی، که به مفاهیم و قوانین کلی می رساند.
3. روش عقلی تجربدی که عبارت است از تفکر در مفاهیم ذهنی. این روش در فلسفه، ریاضی، منطق و مانند آن به کار می رود.
4. روش نقلی که دو گونه است: روش نقلی عادی و روش نقلی وحیانی و معصومانه. روش وحیانی یقینی است و روش عادی نیز اگر متواتر باشد یقینی است اما اگر غیر متواتر باشد، در صورت وثاقت اخلاقی و قدرت حفظ راویان و یا وجود شواهد و قرائن، اطمینان آور است (و اصطلاحا آن را منجر به علم عرفی می دانند) و در غیر این صورت فاقد اعتبار است.
5. روش وجدانی، که عبارتند از شناخت حضوری نسبت به خود و قوا و حالات نفس است. این شناخت هر چند بسیار معتبر است اما دایره آن محدود و مربوط به درون انسان است.
6. روش عرفانی که در اثر عمل و تهذیب نفس، فرد به صورت مستقیم حقایق را شهود می کند. این معرفت از آنجا که در درون فرد صورت می گیرد همانند روش وجدانی است اما چون متعلق آن غیر از نفس است، متفاوت خواهد بود. روش عرفانی از سوی انسان معصوم، یقین آور است اما در غیر انسان های معصوم، امکان تاثیر پذیری از اندوخته های ذهنی قبلی و وقوع خطا وجود دارد. این همانند آن است که فردی عینکی سبز بر چشم دارد و از طریق آن چیزهایی را مشاهده می کند. قطعا او در حال مشاهده است اما به خاطر وجود آن عینک دچار خطا می شود. از سوی دیگر اگر برای مشاهده گر، خطایی هم در دیدن رخ ندهد، ممکن است در تفسیر مشاهده های خویش دچار خطا و اشتباه شود.

اعتبار و جایگاه دانش باستان شناسی

در کتاب مسیر پیامبری از دانش باستان شناسی زیاد یاد شده است (روشی به نام روش تاریخی وجود دارد که همان روش نقلی است و زیاد مورد استفاده قرار می گیرد). باستان شناس با تحقیق و پژوهش و مراجعه به آثار تاریخی، به معرفت هایی نسبت به موضوعی که پژوهش می کند دست می یابد. در این دانش از حدس زیاد استفاده می شود. در کتاب دایره المعارف فارسی آمده است: «[باستان شناسی عبارت است از] تحقیق علمی در آثار بازمانده از انسان از زندگی بشر تا دوره تاریخی جدید. به وسیله باستان شناسی موادی برای تعیین تاریخ ازمنه ما قبل تاریخ و تکمیل مدارک دوره تاریخی فراهم می شود. باستان شناس برای کاوش و تعیین محل کاوش و خواندن و تعبیر کردن یافته کاوشی و معین کردن اندازه قدمت آنها و نگهداری این آثار و در صورت لزوم تعمیر و مرمت آنها به کمک دستیاران کارشناس از مورخ و دیرینه شناس و زمین شناس و زبان شناس و شیمی دان و گیاه شناس و معمار و مهندس و عکاس نیازمند است. از زمان های قدیم به تدریج موادی مخصوصا توسط رومیان و در دوره رنسانس جمع آوری شده است».[[1]](#footnote-1) بنابراین علم باستان شناسی بر اساس تفسیر و تعبیری موادی که به دست می آید معرفت شکل می گیرد.

در کتاب دین پژوهی (از دایره المعارف دین، اثر میرچالیاده و ترجمه خرمشاهی) در باره باستان شناسی آمده است: «حتی در شرایط و اوضاع و احوال امروز با وجود آگاهان زنده و تاریخ های مشهور، تحلیل دین موانع غریبی بر سر راه پژوهشگر می نهد. از این سخن چنین بر می آید که کشف اندیشه ها و نهادهای دینی ماقبل تاریخ حتی مشکل تر است. (اگر تحلیل داده های باستانی دین توسط نقل های موجود مشکل است، تحلیل دین در ماقبل تاریخ بسیار مشکل تر است). باستان شناس باید با شواهد ناقص و جزئی بسازد و با ابزارها و اشیاء گنگ و مبهم و به نوعی کنار آید. با توجه به این موانع شگفت آور نیست که در قرن گذشته دین پژوهی و باستان شناسی پیوندی نزدیک اما نابسامان داشته اند. مع الوصف هر دوی این کوشش های فرهنگی به کندی، به صورت رشته های دستگاهمند تکامل یافته اند و در پیوندی که دارند هر یک مدافع دیگری است». وی در تعریف باستان شناسی گفته است: «باستان شناسی یک رشته پیوندی است و فقط معدودی از میراث فراوانش متنابه و محترم است. (این جایگاه و اعتبار معرفت شناختی باستان شناسی را نشان می دهد). سر آغاز باستان شناسی در یغمای آثار برای کلکسیون های عتیقه، تلاش برای پی جویی در قوانین مضبوط در کتاب مقدس و حفاریهای برای درستی آزمایی دعاوی مربوط به تفوق های ملی یا نژادی نهفته است».[[2]](#footnote-2)

این نشان می دهد که باستان شناسی از نظر اعتبار معرفت شناختی در جایگاه ضعیفی قرار دارد. انشاء الله در گفتار بعد این بحث را ادامه می دهیم.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. دایره المعارف فارسی، ج1، ص 372 [↑](#footnote-ref-1)
2. دین پژوهی، ج1، ص 363 [↑](#footnote-ref-2)